



کتاب ندای فاطمی (خطبه حضرت زهرا(س)) / ترجمه صادق برزگر / انتشارات راسخون

در روایات آمده است هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت صدیقه کبری رسید، لباس به تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود به سوی مسجد روانه شد، در حالی که راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، به مسجد پیامبر (ص) در آمد.

سپس لحظه ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آن گاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منت‌های بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

[ستایش پروردگار]

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَكَهَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتِدَاءِهَا، وَ سُبُوحِ آلاءِ سُدَّهَا،
وَتَمَامِ مَنَنِ وَالْأَهْلَا! جَمَّ لِحْنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدَبَهُمْ
لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتَحَمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَالِهَا، وَ ثَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي الْفِكْرِ مَعْقُولَهَا.
الْمَمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صَفْتُهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ. اِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ مَا قَبْلَهَا،
وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلُهُ أَمْثَلُهَا. كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَّتَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةَ
لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَنْبِيْئًا لِحُكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيْهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ
جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

خداوند را به خاطر نعمت هایش سپاس می گویم و او را به خاطر آموزه هایش (به جهت روشنایی و بینایی) شکر می کنم ، ستایش می کنم او را به خاطر نعمت های اولیه ی که به ما داد و مواهب و احسان های بی دریبی که بر ما فرو فرستاد. نعمت هایش بیش از حد شمارش است و غیرقابل جبران و پایانی برای این نعمت ها قابل تصور نیست.

مردم را برای فزونی بخشیدن نعمت و تداوم آن به شکر نعمت هایش فراخوانده تا باز برایشان بیفزاید و باز او را حمد کنند و باز نعمت خویش را دو چندان کند.

و شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست، تنهاست و شریکی ندارد. این کلامی است که با اخلاص و تفسیر و تأویل می شود و (تنها) قلب را یارای رسیدن به آن است و چراغ آن در اندیشه فروزان می شود. البته نه چشم را یارای دیدن اوست و نه زبان را یارای وصف او و نه خیال را یارای درک او. اشیا را آفرید درحالی که نه قبل از آن چیزی وجود داشت و نه از روی مثالی، الگو برداشت. با مشیت خویش آن ها را آفرید.

و حال آن که احتیاجی به آفرینش آن ها نداشت و استفاده ای از ترسیمشان حاصل نمی شد. به جز آن که حکمتش را تثبیت کرده، آنها را به اطاعتش برانگیزاند و قدرت خویش را آشکار نماید و به عبادت خود وارد دارد و با عزت به دعوت خود فراخواند. سپس برای پیروی از خود پاداش قرار داد و برای نافرمانی از خود عقاب تا آنان را از عذاب خود دور کند و به بهشتش فراخواند.

[پیامبر شناسی]

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَنَهُ، اِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوَالِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ احِاطَةً بِحَوَادِثِ الدَّهْوَرِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمُقَدُورِ.

و شهادت می‌دهم که پدرم محمد(ص) بنده اوست و فرستاده‌ای که خداوند پیش از آن که او را مأموریت دهد، وی را برگزید و شرافت بخشید و قبل از پدیدآوردنش او را نام نهاد و قبل از آنکه او را مبعوث کند، او را برتری داد؛ آن هنگام که مخلوقات در پرده غیب بودند و در پوششی از ترس و بیم پنهان بودند و با نهایت نیستی همراه. چرا که خداوند از پایان امور آگاه بود و به حوادث زمانه احاطه داشت و جایگاه مقدورات را می‌شناخت.

أَتَبَعْتَهُ اللَّهُ إِتْمَامًا لِلْمَرْه، وَ عَزِيمَةً عَلَىٰ أَمْصَاءِ حُكْمِهِ، وَ أَنْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عَكْفًا عَلَىٰ نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ظُلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بَهْمَهَا، وَ جَلَىٰ عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَانْقَذَهُمْ مِنَ الْعَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ. ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ وَ رَغْبَةٍ وَ اِيثَارٍ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حَفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيهِ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيهِ، وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

او را مبعوث نمود تا امر خود را به پایان برد و حکم خویش را به سرانجام رساند و امور حتمی خود را امضا نماید. پس گروهی را نگریست که بر آیین‌های مختلف پراکنده شده‌اند، بر آتش گرد آمده، بت‌های خویش را می‌پرستند و خداوند را انکار می‌کنند درحالی که او می‌شناسند.

پس خداوند به وسیله پدرم محمد(ص) این ظلمات و تاریکی‌ها را روشن ساخت و ابهامات قلوبشان را زدود و ابرهای حجاب را از پیش چشمشان کنار زد و روشنی بخشید. پس در میام مردم به هدایتگری برخاست و آنان را از گمراهی نجات داد و بینایشان کرد و بر دین پایدار هدایتشان نمود و به صراط مستقیم هدایتشان فرمود.

در پایان خداوند او را با مهربانی و رغبت و اختیار و ایثار خود آن جناب قبض روح نموده، به نزد خود خواند. پس محمد(ص) از رنج این دنیا آسود و در میان فرشتگان ابرار و رضوان خداوند غفار و همسایگی ملک جبار به سر می‌برد. صلوات و رحمت و برکات خداوند بر پدرم که پیامبرش بود و امین وحی او و منتخب او از بین آفریدگانش و فرد مورد پسند و مورد رضای او .

[قرآن شناسی]

ثم التفت الى اهل المجلس و قالت: فيكم، و عهد قدمه اليكم، و بقیة استخلفها عليكم: كتاب الله الناطق و القرآن الصادق، و النور الساطع و الضياء اللامع، بينة بصائر، منكشفة سرائره، منجلية ظواهره، مغنطة به اشياعه، قائداً الى الرضوان اتباعه، مؤد الى النجاة استماعه. به تنال حجج الله المنورة، و عزائم المفسره، و محارمه المحذره، و بيناته الجالية، و براهينه الكافية، و فضائله المندوبة، و رخصه الموهوبة، و سرائعه المكتوبة.

سپس آن حضرت به مردم خطاب کرد و فرمود:

شما ای بندگان خدا! امر و نهی الهی خطاب به شماست. شما دین خدا را از زمین برمی‌دارید و آن را در جان‌های خودتان به امانت گذاشته و به امت‌های دیگر می‌رسانید. پیشوای حق الهی در میان شماست و پیشتان پیمان الهی شماست. و بازمانده و جانشین او در میان شماست: کتاب ناطق خدا و قرآن صادق او و نور درخشان و پرتو تابناک او که بصیرت‌هایش آشکار است و رازهایش هویدا و ظاهر آن تابناک. دیگران بر پیروان آن غبطه می‌خورند، چرا که تبعیت از آن به رضوان الهی می‌انجامد و حرف‌شنوی و پیروی از آن به نجات منتهی می‌شود.

دسترسی به حجت‌های روشن الهی به وسیله آن ممکن است. واجبات در آن تفسیر شده و از محرّمات پرهیز داده شده است. دلایلی آشکار دارد و براهینی به اندازه و رسا و فضایی نیک و شریعت او در آن نوشته شده است.

[احکام الهی]

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمْاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ. وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ مَنْمَاءً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقِيقاً لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالْتَّنْذِرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ. أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصَبُ أَمْرَهُ وَ نَهْيُهُ، وَ حَمَلُهُ دِينَهُ وَ وَحْيُهُ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بَلَاغُهُ إِلَى الْأُمَّمِ، زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ وَ النَّهْيُ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللَّهِ الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

پس خداوند به وسیله ایمان، دل‌های شما را از شرک پاک می‌کند. به وسیله نماز، شما را از کبر و غرور به دور می‌دارد. به وسیله زکات، نفس شما را پاکیزه کرده، روزیتان را زیاد می‌کند. به وسیله روزه، اخلاص را در شما تثبیت می‌نماید. به وسیله عدل، دل‌ها را به نظم راهبری می‌کند و اطاعت از ما را مایه نظم ملت و امامت ما را باعث نجات از تفرقه قرار داده است. به وسیله جهاد اسلام را عزت می‌بخشد و کافران و منافقان را ذلیل می‌کند. و به وسیله صبر به استجاب دعا کمک می‌کند و به وسیله امر به معروف عموم مردم را تأمین می‌نماید. نیکی به پدر و مادر، غضب او را از شما دور می‌کند. صلّه ارحام عمره‌ایتان را طولانی می‌کند و تعدادتان را فزونی می‌بخشد. به وسیله قصاص، از خونریزی جلوگیری می‌کند، وفای به نذر باعث مغفرت خدای تعالی می‌شود. کم‌فروشی نکردن کاستی‌ها را جبران می‌کند و مانع زیان و ورشکستگی می‌شود.

ترک شرابخواری، پلیدی را از انسان می‌زداید و ترک قذف و نسبت ناروا دادن به دیگران، لعنت الهی را از انسان بازمی‌دارد و دزدی نکردن عفت می‌آورد. خداوند شرک را حرام کرد تا در ربوبیت خالصانه پرستش شود، پس: «از خداوند پروا کنید، همان‌گونه که حق پروا کردن از اوست و زینهار جز مسلمان نمیرید». و خدا را در حرام و حلالش اطاعت کنید که: «از بندگان خداوند، تنها دانایانند که از او می‌ترسند».

[معرفی خود و پیامبر اکرم]

ثم قالت: أَيُّهَا النَّاسُ! اَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَأً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رَجَالِكُمْ، وَ نَعِيمَ الْمُعْزَى إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. فَبَلَّغِ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَائِلًا عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجُّهَهُمْ، اخِذًا بِأَكْطَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْأَهَامَ، حَتَّى أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ تَلَّوْا الدَّبْرَ.

حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلَ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقَّ عَنْ مَحْضِهِ، وَ نَطَّقَ زَعِيمَ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ أَنْحَلَتْ عَقْدَ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهَّتُمْ بِكَلِمَةِ الْأَخْلَاصِ فِي نَفْرِ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ.

سپس فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم محمد(ص) است. یک بار گفته‌ام و باز خواهم گفت و به غلط سخن نمی‌گویم و در کار خویش بر حق پیشی نمی‌گیرم: «قطعاً برای پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، نسبت به (هدایت) شما حریص و نسبت به مومنان دلسوز و مهربان است». اگر نسبت او را بجوید و اگر او را بشناسید درمی‌یابد که او پدر من است، نه پدر زنان شما و برادر پسرعموی من است، نه برادر مردان شما و چه نسبت نکویی است نسبت او با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

پس رسالت خود را اظهار کرده به انجام رساند، مردم را از خداوند بیم داد، از روش مشرکین کناره‌گیری کرد و بر کمر مشرکین ضربه زد و نفس‌گیرشان کرد و با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارش دعوت کرد. بت‌ها را شکست و گردن‌کشان آنها را ذلیل کرد تا پراکنده شدند و عقب نشستند و در نتیجه تاریکی از روشنایی جدا شده و حق خالص نمایان گردید. پیشوای دین زبان گشود و شیاطین لال شده، زبان در کام فرو بردند. پیروان نفاق نابود شدند و پیمان کفر و شقاوت منحل شد و در نتیجه شما در میان گروه سپیدرویان قرار گرفته به کلمه اخلاص گویا شدید.

[توصیف دوران جاهلیت]

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدْفَقَةَ الشَّارِبِ، وَ نَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قَيْسَةَ الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرِيقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّةَ، أَذَلُّهُ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتَى، وَ بَعْدَ أَنْ مَنِيَ بِهِمُ الرَّجَالُ، وَ ذُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَّةِ أَهْلِ الْكِتَابِ. كَلِمًا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ.

این در حالی بود که قبلاً بر لبه پرتگاه آتش بودید، چون آب خوردن، شما را می نوشیدند و هر صیادی در صید شما طمع می کرد و هر کسی از شما برای خود آتشی می افروخت. زیر پا له می شدید و آب آلوده می آشامیدید و غذایان پوست حیوانات بود و پست بودید و رانده شده . « ترس آن داشتند که مردم از هر طرف شما را مورد دزدی و تجاوز قرار دهند».

پس خداوند تبارک و تعالی شما را به وسیله پدرم محمدصلی الله علیه و آله از همه این گرفتاری ها نجات داد. بعد از آن که آن جناب گرفتار مردان زبان نفهم، اعراب وحشی و سرکشان یهودی و مسیحی شد و « هرگاه که آتش جنگ را می افروختند، خداوند آن را خاموش می ساخت».

[معرفی امیر المومنین]

أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَّتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِيءُ حَتَّى يَبْطَأَ جِنَاحَهَا بِأُخْمَصِهِ، وَيُخَمِّدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً نَاصِحاً مُجِداً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ. وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفِرُونَ مِنَ الْقِتَالِ.

یا هرگاه شیطان شاخ خود را آشکار می کرد یا یاوه سرایی های مشرکین آغاز می شد، برادرش را به رویارویی آنان می فرستاد و او نیز دست بر نمی داشت تا آن که آنان را زیر پای خود لگدکوب می کرد و شراره آتششان را با شمشیر خود خاموش می ساخت و در کار خدا از هیچ کوششی خودداری نمی کرد. نزدیک به رسول خدا(ص) بود و سرور اولیای الهی. شتابان بود و اندرزگو، پیگیر بود و کوشا و در راه الهی، سرزنش ملامتگران او را از راه باز نمی داشت.

و شما در آن روز در رفاه و عیش به سر می بردید و آرام و در امان آرمیده بودید و چشم و گوش به حوادثی که بر ما نازل می شود داشتید و هنگام جنگ، پشت به دشمن بودید و پای فرار و گریز داشتید.

[شکایت از غصب امامت]

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ تَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانَ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَزِهِ، هَاتِفاً بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَةِ فِيهِ مِلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خَفَافاً، وَ أَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَاباً، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ أَيْلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ. هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَ الْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ. فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ آتَى تَوْفِكُونَ، وَ كِتَابَ اللَّهِ بَيْنَ أَنْظَهْرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَعْبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْيَرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْأِسْلَامِ دِينًا قَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثِ أَنْ تَسْكُنَ

نَفَرْتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَحَدْتُمْ تَوْرُونَ وَ قُدَّتْهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ
 إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تَسْرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَكْدِهِ فِي الْخَمْرِ
 وَ الصَّرَاءِ، وَ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى، وَ وَخْزِ السَّنَانِ فِي الْحِشَا.

چون خداوند سرای پیامبران و جایگاه برگزیدگانش را برای پیامبرش اختیار کرد (و پیامبر به شهادت رسیدند) کینه و دو رویتان آشکار شد و جامه‌ی دین کهنه گشت و ساکت گمراهان به سخن آمد و فرومایه گمنام آشکار شد و زمزمه اهل باطل بلند شد و قدم به زندگی شما گذاشت. شیطان سر از سوراخ خود بیرون آورد و شما را مورد خطاب قرار داد و از سوی شما جواب مثبت شنید و شما را آماده گمراه شدن یافت.

پس شما را برانگیخت و دید که آسان برانگیخته می‌شوید و شما را به خشم آورد و دید که زود خشمگین می‌شوید. پس داغ بر شتر دیگران نهادید و به آبخور دیگران وارد شدید.

این‌ها همه در حالی که بود که از پیمان شما با رسول خدا (ص) چیزی نگذشته بود و داغ شهادت او هنوز فراگیر بود و زخم فراق التیام نیافته و رسول خدا هنوز در لحد نیارمیده بود. در خیال خود از ترس فتنه شتاب کردید درحالی که « آنان خود در فتنه افتاده‌اند و جهنم بی‌گمان کافران را در برمی‌گیرد ». هیهات! هیهات! شما را چه شده و به کجا منحرف می‌شوید؟

این‌ها در حالی بود که کتاب خدا در میان شماست، مطالب آن آشکار است. احکامی تابان دارد و علایمی نمایان و نواهی آن بسیار روشن و اوامر آن ظاهر و هویداست. ولی شما به آن پشت کردید، آیا می‌خواهید از قرآن رو برگردانید یا داوری غیر از قرآن می‌خواهید؟ « چه بد جانشینی دارند ستمکاران »

« آن کس که غیر از اسلام دینی برگزیند، از او پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است ». سپس درنگ نکردید مگر به اندازه‌ای که سرکشی شتر خلافت اندکی آرام گرفت و سواری از آن آسان شد. سپس آتش مخالفت افروختید و دیگ فساد را روشن کردید و ندای شیطان زیانکار را پاسخ گفتید و راه خاموش کردن نور مبین اسلام و اهمال در سیره پیامبر برگزیده را در پیش گرفتید.

به نام سر شیر، شیر می‌نوشید (مثل عربی کنایه از آن که ظاهر و باطن شما با هم متفاوت است) و نسبت به خاندان پیامبر در بیشه و پشت درختان (مخفیانه) حرکت می‌کنید و خاندان رسول خدا را فریب می‌دهید. شما چون شمشیری هستید که می‌شکافد و نیزه‌ای که در پهلو فرو می‌رود.

[شکایت از غصب فدک]

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا ارْثَ لَنَا أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟
 بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنَّى ابْنَتُهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَلْغَلَبَ عَلَى ارْثِي؟ يَا بَنِي أَبِي قُحَافَةَ! أَفَى كِتَابِ اللَّهِ
 تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا ارْثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا قَرِيبًا، أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظَهْرِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ

وَرثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» وَ قَالَ فِيمَا افْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكَرِيَّا اِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثْ مِنْ اِلِ يَعْقُوبَ»، وَ قَالَ: «وَ اُولَئِكَ اَلْاَرْحَامُ بَعْضُهُمْ اَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِى كِتَابِ اللّٰهِ»، وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِى اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثٰى»، وَ قَالَ «اِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْاُولٰٓئِىنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلٰى الْمُتَّقِيْنَ» وَ زَعَمْتُمْ اَنْ لَا حَظَّوَةً لِي، وَ لَا اَرِثُ مِنْ اَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنِنَا، اَفْحَصَّكُمْ اللّٰهُ بِاَيَّةٍ اَخْرَجَ اَبِي مِنْهَا؟ اَمْ هَلْ تَقُولُوْنَ: اِنْ اَهْلَ مَلْتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ اَوْ لَسْتُ اَنَا وَ اَبِي مِنْ اَهْلٍ مِلَّةٍ وَّاحِدَةٍ؟ اَمْ اَنْتُمْ اَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ اَبِي وَ اَبْنِ عَمِّي؟ فَذَوْنُكُمَا مَخْطُومَةٌ مَّرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ.

فَنِعْمَ الْحَكْمُ اللّٰهُ، وَ الزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ اِذْ تَنْدُمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ.

و امروز گمان می کنید که به ما ارث نمی رسد، « آیا از دستورات دوران جاهلیت پیروی می کنید، و برای مردمی که یقین دارند، داورى چه كسى از خدا بهتر است؟» آیا نمی دانید؟ بله، برای شما چون آفتاب تابان روشن است که من دختر آن جناب هستم، ای مسلمانان، آیا من باید از ارث خود محروم مانم؟

ای فرزند ابى قحانه! آیا در کتاب خداوند آمده است که تو از پدرت ارث ببرى و من ارث نبرم؟ « به راستی کار ناپسندی مرتكب شده‌ای » آیا عمداً کلام الهی را ترك کرده و آن را پشت سر انداخته‌اید که می گوید: « سلیمان از داود ارث برد» و در داستان یحیی بن زکریا از قول او می نویسد: « (پروردگارا!) از ناحیه خود به من جانشینی عطا کن که از من و از آل یعقوب ارث ببرد».

و نیز فرمود: « خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوارترند در کتاب خدا» و فرمود: « خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می کند ، سهم پسر چون سهم دو دختر است» و فرمود: « اگر مالی بر جای گذارد برای پدر و مادر و خویشاوندان به طور پسندیده وصیت کند (که این کار) حقی است بر پرهیزکاران». خیال کرده‌اید من بهره‌ای ندارم و ارث نمی برم و نسبت خویشاوندی میان من و پدرم نیست؟

آیا خداوند این آیات را به شما اختصاص داده و پدر من را از شمول این آیات خارج ساخته است؟ آیا عقیده دارید که اهل دو ملت از هم ارث نمی برند یا این که من و پدرم از یک ملت نیستیم؟ یا شما از پدرم و پسرعمویم نسبت به قرآن داناترید؟ (ای ابابکر) بر این مرکب آماده و زین شده بنشین که روز حشر تو را ملاقات خواهد کرد.

پس در آن روز بهترین حاکمان خداوند است و پیشوا، محمد صلی الله علیه و آله و وعده ما روز قیامت و آن هنگام است که اهل باطل زیان خواهند کرد و البته پشیمانی سودی برای شما نخواهد داشت. « برای هر خبری، هنگامی است و در آن خواهید دانست» « که عذاب الهی چه کسی را رسوا می کند و عذاب دایم بر او فرو می آید».

[شکایت از سکوت انصار]

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت :

يا معشر النقيبه و اعضاء الملة و حضة الاسلام! ما هذه الغميرة في حقي و السنة عن ظلامتي؟ اما كان رسول الله صلى الله عليه و اله ابي يقول: «المرء يحفظ في ولده؟»، سرعان ما احدثتم و عجلان ذا اهاله، و لكم طاقة بما احوال، و قوة على ما اطلب و ازاول اتقولون مات محمداً؟ فخطب جليل استوسع و هنه، و استنهر فتقه، و انفتق رتقه، و اظلمت الارض لغيبته، و كسفت الشمس و القمر و انتشرت النجوم لمصيبته، و اكدت الامل، و خشعت الجبال، و اضيع الحريم، و ازيلت الحرمه عند مماته فتلك و الله النازلة الكبرى و المصيبة العظمى، لامثلها نازلة، و لا بائقة عاجلة اعلن بها، كتاب الله جل ثناؤه في افنيتم، و في ممساكم و مصبحكم، يهتف في افنيتم هتافاً و صراخاً و تلاوة و الحاناً، و لقبه ما حل بانبياء الله و رسله، حكم فصل و قضاء حتم. «و ما محمداً الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و من ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئاً و سيجزي الله شيئاً و سيجزي الله الشاكرين».

ايها بنى قيلة! اهضم ثرات ابي و انتم بمرأى منى و مسمع و مندى و مجمع، تلبسكم الدعوة و تشملكم الخبره، و انتم ذوو العدد و العدة و الاداء و القوة، و عندكم السلاح و الجنة، توافيكم الدعوة فلا تجيبون، و تاتيكم الصرخه فلا تغيثون، و انتم موصوفون بالكفاح، معروفون بالخير و الصلاح، و النخبة التي انتخبتم، و الخيره التي اختيرت لنا اهل البيت. قاتلتم العرب، و تحملتم الكد و التعب، و ناطحتم الامم، و كافحتم اليهم، لا نبرح او تبرحون، نأمركم فتأتمرون، حتى اذا دارت بنا رحي الاسلام، و در حلب الايام، و خضعت نعره الشرك، و سكنت فوره الالفك، و خمدت نيران الكفر، و هدأت دعوة الهرج، و استوسق نظام الدين، فاني حزتم بعد البيان، و اسررتهم بعد الاعلان، و تكصتم بعد الافدام، و اشركتم بعد الايمان؟ بؤساً لقوم نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم، و هموا باخراج الرسول و هم بدوكم اول مره، اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين.

آن گاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:

ای گروه جوانمردان و بازوان ملت و یاوران دین این سستی در برابر حق من و به خواب زدن در برابر ظلمی که به من می شود، از چه روست؟ آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی فرمود؛ احترام و رعایت حال فرزندان اوست؟

در بدعت گذاری سرعت گرفتید و چه به شتاب پیش رفتید؟ در حالی که شما بر پیگیری خواسته من قادر و توانا هستید. آیا می گویند که رسول خدا از دنیا رفت و این امر به پایان رسید؟ بلی اتفاقی بزرگ بود که در پی آن حادثه، شکافی بزرگ به وجود آمد و رخنه ای عظیم پدیدار شد. با رفتن آن جناب زمین را ظلمت فرا گرفت و ستارگان در کسوف رفتند.

آرزوها بی‌خیر شد، کوه‌های سربرافراشته سربزیر و حریم‌ها ضایع شد. حرمت‌ها پس از درگذشت او ریخت. به خدا سوگند این بلایی بزرگ و مصیبتی عظیمی بود که مانند آن نیامده و نخواهد آمد. و البته کتاب خداوند این خبر را صبحگاه و شامگاه با صدای رسا و بلند و با گفتار و تلاوت به شما داده بود.

و البته انبیای الهی قبل از او را نیز مرگ دریافته بود. حکمی قطعی و تقدیری حتمی برای همگان است؛ و محمد نیست مگر یک پیامبر، قبل از او نیز پیامبرانی آمدند. آیا اگر او مرد یا کشته شد به دوران گذشته خود باز می‌گردید. و هرکس به گذشته خود باز گردد، به خداوند زبانی نمی‌زند و خداوند سپاسگزاران را جزا خواهد داد.

ای نوادگان قیله! آیا شما در برابر چشم من باشید و مرا از میراثم محروم کنن و شما صدای دادخواهی مرا بشنوید و خبر آن را دریافت کنید؟ در حالی که تعدادتان زیاد است و قدرت و تجهیز فراوان دارید؟ شما را به یاری می‌خوانم، ولی پاسخ من را نمی‌دهید؟ و ناله‌ام را می‌شنوید و یاری‌ام نمی‌کنید؟ شما همان کسانی هستید که به نبرد مشهورید و به خیر و صلاح معروف. شما نخبگان و نیکانی هستید که برای ما اهل بیت انتخاب شده اید و در این راه با اعراب جنگیدید و سختی‌ها را به جان خریدید و با گروه‌های مختلف پیکار کردید و با دلیرانشان ستیز کردید. پیوسته با ما و فرمانبردار ما بودید تا زمانی چه چرخ اسلام به گردش افتاد. شیر ناقه اسلام فراوان شد، دندان‌های شرک در هم شکست و دیگ دروغ از جوشش افتاد و آتش کفر به خاموشی گرایید. و دعوت به هرج و مرج پایان پذیرفت و دین نظمی نوین گرفت. پس چرا از حقیقت آشکار رو برتافتید و آن را مخفی می‌کنید و چرا پیمان‌شکنی می‌کنید و از ایمان به شرک باز می‌گردید؟ بدا به حال گروهی که بعد از پیمانی که بستند، سوگند خود را شکستند و به اخراج پیامبرانشان همت گماشتند، در حال که ابتدا آنان آغازگر جنگ بودند؟ آیا از آنها می‌ترسید؟ سزاوارتر است که از خدا بترسید، اگر ایمان دارید؟

[هشدار به مسلمانان]

أَلَا وَ قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبَعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنْ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنِي حَمِيدٌ. أَلَا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَىٰ مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخَذَلَةِ الَّتِي خَامَرْتُمْ، وَ الْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنِّهَا قَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ حَوْزُ الْقَنَاءِ، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحَجَّةِ، فَدَوَّنَكُمُوهَا فَاحْتَقَبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، تَقْبَةَ الْخَفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَارِ وَ سَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىٰ مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا إِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا أَنَا عَامِلُونَ، وَ انْتَظِرُوا أَنَا مُنْتَظِرُونَ.

مشاهده می‌کنم که به آسایش چسبیده‌اید و از کسی که حق کم و بیش کردن را داشته، دور شده‌اید و به دنبال راحتی هستید و در گوشه خلوت خود آرام گرفته‌اید آنچه را (از ایمان) در دل جای داده بودید، از دهان

بیرون انداختید و آن شربت گوارایی را که خورده بودید قی کردید. پس « اگر شما و تمامی اهل زمین کافر شوید، خداوند بی نیاز و ستوده است. »

بدانید که من آن چه را که باید می‌گفتم، بیان کردم، با این که از ذلتی که شما را سست کرده آگاه بودم و از حيله و فریبی که قلب شما را در برگرفته مطلع. لکن بدانید که این گفتار از جان من تراوش کرد و از درون خشمناک من بیرون جهید و حکایت از به جان آمدن من از سختی‌ها داشت و از سینه (سوخته) من روایت می‌کرد تا اتمام حجتی بر شما باشد. پس بتازید بر این مرکب زخمی و لنگان حکومت که ننگ آن تا همیشه بر شما باقی است. و گرفتار غضب خداوند و ننگ ابدی خواهید بود و به آتش سوزان الهی گرفتار خواهید شد. آتشی که قلبها را دربرخواهد گرفت. هر چه می‌کنید در پیش دیدگان خداست و کسانی که ستم کردند، خواهند دانست که به کجا بر خواهند گشت.

و من دختر کسی هستم که شما را انذار کرده، از عذاب الهی ترسانید، و البته بدانید که اکنون در پیشگاه عذاب خدایدید. پس کار خودتان را بکنید که ما نیز کار خود را خواهیم کرد» و منتظر باشید که ما نیز انتظار خواهیم کشید.

[استناد ابوبکر به حدیثی دروغین در پاسخ به حضرت زهرا]

فأجابها أبو بكر عبد الله بن عثمان، و قال:

يا بنت رسول الله! لقد كان أبو بكر بالمؤمنين عطوفاً كريماً، رؤوفاً رحيماً، و على الكافرين عذاباً أليماً و عقاباً عظيماً، إن عزوانه وجدناه أباك دون النساء، و أبا الفك دون الأخلاء، أثره على كل حميم و ساعده في كل أمر جسيم، لا يحبكم إلا سعيد، و لا يبغضكم إلا شقي بعيد.

فأنتم عنرة رسول الله الطيبون، الخيرة المنتجبون، على الخير أدلتنا و إلى الجنة مسالكنا، و أنت يا خيرة النساء و أبنه خير الأنبياء، صادقة في قولك، سابقه في وفور عقلك، غير مردودة عن حَقِّك، و لا مصدودة عن صدقك. و الله ما عدوت رأى رسول الله، و لا عملت إلا بإذنه، و الرائد لا يكذب أهله، و أتى أشهد الله و كفى به شهيداً، أتى سمعت رسول الله يقول: «نحن معاشر الأنبياء لا نورث ذهباً و لا فضةً، و لا داراً و لا عقاراً، و إنما نورث الكتاب و الحكمة و العلم و النبوة، و ما كان لنا من طعمة فلولي الأمر بعدنا أن يحكم فيه بحكمه».

آنگاه ابوبکر پاسخ داد:

ای دختر رسول خدا، پدرت نسبت به مومنان مهربان و کریم بود و دلسوز و رحیم و نسبت به کافرین عذابی دردناک و عقابی بزرگ. اگر نسبت او را بسنجیم، می‌بینیم که پدر توست نه زنان ما و برادر همسر توست نه برادر ما. او را بر هر دوست نیگری برگزید و در هر امر مهمی به کمک گرفت. دوستدار شما اهل سعادت است

و دشمن شما اهل شقاوت و دور از خوشبختی. پس شما عترت پاک و برگزیده رسول خدا هستید که ما را بر خوبی دلالت می‌کنید و راه بهشت را به ما نشان می‌دهید.

تو نیز ای برگزیده زنان و دختر بهترین پیامبران در گفتارت راست‌گویی و در عقل و اندیشه از همه ما پیشتازتر. هیچ گاه حق تو زیر پا نهاده نمی‌شود و سخن راست تو رد نمی‌شود.

به خدا سوگند که از نظر رسول خدا(ص) تجاوز نکرده و کاری بدون اجازه او انجام نداده‌ام. چرا که پیشوا به مردم خود دروغ نمی‌گوید و من شهادت می‌دهم و خداوند بهترین شاهد است که من از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران، طلا، نقره، خانه و آبادی از خود به جا نمی‌گذارم، بلکه ارث ما کتاب خدا، حکمت، دانش و پیامبری است. و آن چه از درآمد که از ما باقی بماند برای کسی است که بعد از ما ولایت امر را به عهده دارد تا با نظر خود در آن حکم کند». و ما این چیزهایی که بر سر آن مناقشه می‌کنی را در خرید اسب و تجهیزات جنگی مسلمانان بر علیه کفار و از دین برگشتگان و فجار صرف کردیم.

و این کار با اجتماع مسلمانان صورت گرفت و من به تنهایی به آن رأی نداده و استبداد به خرج ندادم. تو اموال و احوال من را می‌دانی! همه برای تو و در اختیار تو باشد، آن را از تو دریغ نمی‌کنم و آن‌ها را ذخیره نخواهم کرد، چرا که تو بانوی زنان امت پدرت هستی و شجره‌ای طیبه برای فرزندان. کسی فضیلت تو را انکار نمی‌کند و از اصل و فرع تو کسی فروگذاری نخواهد کرد و حکم تو درباره اموالی که در اختیار من است نافذ خواهد بود. آیا تو می‌خواهی که با نظر پدرت مخالفت کنم؟

[پاسخ حضرت زهرا به ابوبکر]

فقالت :

سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ عَنِ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ، وَ يَقْفُو سَوْرَهُ، أَفْتَجْمَعُونَ إِلَيَّ الْعَدْرَ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهَ بِمَا بَغَى لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُولُ: «يَرْتُنِي وَ يَرِثُ مِنِّي الْيَعْقُوبُ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سَلِيمَانُ دَاوُدَ».

فَبَيَّنَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا وَزَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حِطِّ الذَّكْرَانِ وَ الْأُنَاثِ، مَا أَزَاحَ بِهِ عَلَهُ الْمُبْطَلِينَ وَ أزالَ التَّظَنِّيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّمَ بَلَّ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا، فَصَبَّرَ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ.

حضرت فاطمه علیه السلام در پاسخ فرمود:

سبحان الله! پدرم رسول خدا صلی الله و علیه و آله از کتاب خدا روگردان نبود و با احکام الهی مخالفت نمی کرد. بلکه در پی قرآن بود و احکام آن را دنبال می کرد. آیا در برابر رسول خدا دست حيله و تزوير به یکدیگر داده اید؟

این اتهام بعد از درگذشت آن حضرت، مانند سرکشی هایی است که در زمان حیات آن حضرت غایله به پا کرده بود. بلکه این کتاب خداست که حاکمی عادل در میان ماست و کلامش سخن آخر است و می فرماید: « از من و از آل یعقوب ارث برد» و می فرماید: « سلیمان از داود ارث برد». پس خداوند عزوجلّ وضعیت تقسیم بندی و میراث و واجبات آن را بیان فرمود.

و سهم پسران و دختران را مشخص کرد و به این وسیله دلایل اهل باطل را زایل کرد و گمان و شک را از دل گمراهان زدود. هرگز داستان این گونه که می گویی نیست، « بلکه در دل خود خیالاتی بافته اید و چاره آن صبری نیکوست و از خداوند در برابر این توصیفات شما، یاری می طلبم».

[پاسخ دوم ابوبکر به حضرت زهرا]

فقال أبو بكر:

صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ ابْنَتُهُ، مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنَ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةَ، وَ رُكْنَ الدِّينِ، وَ عَيْنَ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعَدُ صَوَابِكَ وَ لَا أَنْكَرُ خَطَابِكَ، هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بَاتِفَاقِي مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْتِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

ابوبکر گفت:

خداوند، رسول و دخترش راست می گویند. تو معدن حکمتی و جایگاه هدایت و رحمت و ستون دین و چشمه برهان! سخن تو دور از صواب نیست و کسی گفتار تو را رد نمی کند. این مسلمانان میان من و تو حاکم باشند، اینها قلاده حکومت را به گردن من انداختند و آن چه را از تو گرفتم، با نظر آنان بود. استبداد رأی به خرج ندادم و تکبر نمی کنم و زور نمی گویم و این مردم شاهد این مطلب هستند.

[هشدار به مسلمانان]

فالتفت فاطمة عليها السلام الى النساء، و قالت:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمَغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ كَيْفَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ شَرٌّ مَا مِنْهُ اعْتَصَمْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهَ مَحْمَلَةً ثَقِيلاً، وَ غِيْبَةً وَ بِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَأَاهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.

آنگاه حضرت فاطمه علیه السلام رو به مردم کرده و فرمود:

ای مسلمانانی که گفتار باطل را شتابان پذیرفتند و چشمان خود را بر این کردار زشت و زیانبار بستید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا آن که قفل بر دل‌های شما نهاده شده است؟ نه! بلکه دل‌های شما به خاطر کردار زشتتان چرک‌آلوده شده است.

و چشم و گوش شما را نیز فراگرفته است. بد روشی در پیش گرفته‌اید و نیکی را با بدی جواب داده‌اید و بدتر از آن غصبی است که انجام داده‌اید، به خدا سوگند چون پرده برافتد، هزینة سنگینی برای این کار خواهید پرداخت و پایان آن دردناک خواهید یافت و زیان آن آشکار خواهد شد و عذابی که خیال نمی‌کردید، از ناحیه پروردگارتان نسبت به شما پدیدار خواهد شد و آن‌گاه است که اهل باطل زیان کنند.

[درد دل با پیامبر]

ثم عطفت علی قبر النبی صلی الله علیه و آله، و قالت:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ	لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الْخُطْبُ
إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَإِبْلِهَا	وَ اخْتَلَّ قَوْمَكَ فَأَشْهَدُهُمْ وَ لَا تَغِبُ
وَ كُلُّ أَهْلٍ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ	عِنْدَ اللَّهِ عَلَى الْأَدْنَيْنِ مُقْتَرِبُ
أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ	لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ التَّرْبُ
تَجَهَّمَتْنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا	لَمَّا فَقِدْتَ وَ كُلُّ الْأَرْثِ مُغْتَصَبُ
وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ	عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ
وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا	فَقَدْ فَقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ
فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقُنَا	لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود :

پس از تو اخبار و حوادثی سهمگین روی داد که اگر حضور تو در میان بود، این گفتگوها در میان نمی آمد.

ما تو را از دست دادیم، گویا زمین باران را از دست داد، ملت تو از هم پاشید، آنان را بنگر و از میانه غایب نشو.

هر خاندانی که نزد خداوند قربت دارد، بیگانگان نیز حرمت آنان را نگاه می دارند.

لکن چون تو از میان ما رفتی و خاک میان ما فاصله انداخت، این مردم اسرار نهفته در دل‌هایشان و کینه های خود را بر علیه ما آشکار کردند.

چون تو را از دست دادیم به ما هجوم آوردند و ما را خوار کردند و تمامی زمین هایمان غصب شد . تو نور ماه کامل بودی که روشنایی می بخشیدی و کتاب خدا از نزد او بر تو نازل می شد.

جبرئیل به وسیله آیات الهی ما را انس می بخشید، پس چون تو را از دست دادیم، همه خوبی ها از ما پنهان شد.

کاش قبل از رفتن تو و قبل از آن که خاک تو را دربرگیرد، مرگ ما را فراگرفته بود.

□ وسیع و فراخ در محاورات فصیح می گویند: «ذرع سابع»؛ زره رسا، نه دراز و نه کوتاه.

□□ جمع «الی» نعمت.

□□□ «إسداء»: عطا، بخشیدن.

□□ جمع «منت»، نعمت های گران قدر.

□ زیاد.

□□ «ندب»: دعوت نمودن.

□□□ «ابتداع»: بدون مثال و نقشه قبلی، اختراع.

□□□ پیروی کردن.

□□ از ماده «ذراً» آفرید.

□ گرامی داشتن و ارجمند داشتن.

□□ اگر شکاری را به طرف کسی برانند می گویند: «حُشتُ علیه الصید: شکار را به سوی او راندم».